

Emergence of cryptocurrencies and power relations in the International financial system

Mohammad Ali Shirkhani

Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.


shirkhni@ut.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Bijan Pirouz

Assistante Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.


pirouz@ut.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Hadi Gholamnia

Ph.D. Candidate, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author).

hadi.gholamnia@ut.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Abstract

The intensification of the competition between the great powers in the world system takes on new levels and dimensions every day. Each of these actors, including the United States, China, and the European Union, are trying to increase its power in the system by using new tools and then controlling and guiding other actors. These governments are trying to increase their control and monitoring power by dominating the vital nodes of the global system. This is the reason why in recent years we are witnessing a wide competition between the great powers to dominate the market and the range of new technologies, the production of new monetary and financial instruments, the global supply chain, and the vital issue of energy. This article is trying to explain how great powers compete in an intertwined network of agents and resources using the conceptual framework of weaponized interdependence. Therefore, the main question of the article is, What effect does the emergence of cryptocurrencies in the international monetary and financial system have on the competition of states, international organizations, and large companies to gain network power? In response, it should be said that the emergence of cryptocurrencies in the international system increases the conflict between governments because it has given the governments with access to the main nodes of the network a new opportunity to monitor, control, and limit other actors. The present article seeks to explain the reaction of actors to the mentioned conditions in the international system by using the first category sources such as the analysis of the upstream documents of different countries of the world, and the use of library and internet sources.

Keywords: Weaponized interdependence, International System, Cryptocurrencies, SWIFT, Network power, Network monitoring.

E-ISSN: 2588-6541 / Center for Strategic Research / Quarterly of Foreign Relations


Quarterly of Foreign Relations is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.




 10.22034/FR.2023.366651.1317

ظهور رمزارزها و مناسبات قدرت در عرصه نظام پولی - مالی بین‌المللی


محمدعلی شیرخانی

استاد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
shirkhni@ut.ac.ir  0000-0000-0000-0000

بیژن پیروز

استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
pirouz@ut.ac.ir  0000-0000-0000-0000

هادی غلام‌نیا

نامزد دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده
مستقل).
hadi.gholamnia@ut.ac.ir  0000-0000-0000-0000

چکیده

شدت‌گیری رقابت میان قدرت‌های بزرگ در نظام جهانی هر روز ابعاد جدیدتری به خود می‌گیرد. هر کدام از این بازیگران، اعم از ایالات متحده، چین و اتحادیه اروپا در تلاشند تا با استفاده از ابزار نوینی، ابتدا قدرت خود در سیستم را افزایش دهند و سپس به کنترل و هدایت سایر بازیگران بپردازند. این دولت‌ها در تلاشند تا از طریق تسلط بر گره‌های حیاتی نظام جهانی قدرت کنترلی و نظارتی خود را افزایش دهند. به‌همین دلیل است که در سال‌های اخیر شاهد رقابت گسترده میان قدرت‌های بزرگ برای تسلط بر بازار و دامنه فناوری‌های نوین، تولید ابزارهای نوین پولی و مالی، زنجیره تأمین جهانی و مسئله حیاتی انرژی هستیم. مقاله حاضر، در تلاش است با استفاده از چهارچوب مفهومی وابستگی متقابل تسلیحاتی شده، به تبیین چگونگی رقابت قدرت‌های بزرگ در شبکه درهم‌تنیده‌ای از کارگزاران و منابع می‌باشد؛ لذا، سؤال اصلی مقاله این است که ظهور رمزارزها در نظام پولی و مالی بین‌المللی چه تأثیری بر رقابت‌ها دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های بزرگ برای کسب قدرت شبکه‌ای دارد؟ در پاسخ باید گفت که ظهور رمزارزها در نظام بین‌الملل موجب افزایش نزاع میان دولت‌ها می‌شود چراکه به دولت‌های صاحب دسترسی به گره‌های اصلی شبکه امکان جدیدی برای نظارت، مراقبت و محدودسازی سایر بازیگران داده است. مقاله حاضر با استفاده از منابع دسته اول همچون تحلیل اسناد بالادستی کشورهای مختلف جهان، استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، به دنبال تبیین نوع واکنش بازیگران به شرایط یاد شده در نظام بین‌الملل است.

کلیدواژه‌ها: وابستگی متقابل تسلیحاتی شده، نظام بین‌الملل، رمز ارزها، سوئیفت، قدرت شبکه‌ای. محدودسازی، نظارت شبکه‌ای.

شاپای الکترونیک: ۶۵۴۱-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه روابط خارجی



 10.22034/FR.2023.366651.1317



مقدمه و بیان مسئله

در جهانی که با سرعت زیادی به سمت عدم تقارن حرکت می‌کند، برخی پدیده‌ها و نوآوری‌ها موجب تحکیم وضعیت موجود و گسترش نابرابری در دستیابی به منابع قدرت می‌شوند. نوآوری‌هایی همچون شبکه جهانی اینترنت، سازوکارهای مالی جهانی، فناوری بلاک‌چین و ارزهای مجازی مبتنی بر آنها به شدت میزان فشرده‌گی جهانی و امکان بهره‌مندی از شبکه‌های موجود توسط برخی کشورها را افزایش می‌دهد. نوآوری‌های یاد شده این امکان را فراهم می‌کنند که برخی کشورهای صاحب فناوری‌های نوین جهانی و یا قدرت برتر مالی بتوانند به جعبه اسرارآمیزی از اطلاعات و داده‌ها دست یابند که به آنها اجازه سیاست‌گذاری، مراقبت، محدودسازی و نظارت طیف گسترده‌ای از بازیگران جهانی را می‌دهد. تسلط ایالات متحده بر بازار جهانی ارزهای مجازی از طریق بانک‌ها و صرافی‌های دیجیتالی، شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات برخط و نرم‌افزارهای مورد نیاز در این حوزه، به این کشور امکانی برای مراقبت، پایش و محدودسازی رفتار و کنش سایر بازیگران را می‌دهد به طوری که جایگاه ایالات متحده در میان کشورهای جهان را تبدیل به یک موقعیت مرکزی و مدیریتی می‌نماید.

در همین راستا، چهارچوب مفهومی وابستگی متقابل تسلیحاتی شده^۱ به دنبال تبیین و شناسایی مسیرهای افزایش قدرت مراقبتی بازیگران نظام بین‌الملل در یک سیستم به هم پیوسته است. یعنی تبیین روندها و سازوکارهایی که مقاله حاضر به دنبال شناسایی و ارائه الگوی مشخصی از آن می‌باشد. درست درجایی که نولبرال‌هایی همچون کوهن و نای از جهانی‌سازی و ساختار وابستگی متقابل همکاری‌جویانه در یک نظم بین‌المللی سخن به میان می‌آورند، نظریه‌پردازان وابستگی متقابل تسلیحاتی شده، این ساختار وابستگی متقابل را نه تنها مسیری برای همکاری تلقی نمی‌کنند، بلکه از آن به عنوان بستری برای ضربه‌زدن به دیگران و تبدیل یک یا چند بازیگر نظام به بازیگران مسلط و ساختار ساز تشبیه می‌کنند.

نویسندگان تلاش می‌کنند تا نحوه تلاقی مکان‌نگاری (توپوگرافی) شبکه‌های وابستگی متقابل اقتصادی جهانی با هنجارها، نهادهای داخلی کشورها و شکل‌دهی

1. Weaponized Interdependence

به اجبار دولتی را نشان دهند. تحلیل مورد توجه فارل و نیومن^۱ به ابعادی تأکید دارد که تاکنون کمتر مورد توجه نظریه پردازان علم روابط بین الملل بوده است. شبکه‌هایی مانند ارتباطات مالی، زنجیره تأمین و اینترنت که تا حد زیادی مورد غفلت محققان روابط بین الملل قرار گرفته است، در قلب درکی جدید از جهانی شدن و قدرت شبکه‌ای مورد تحلیل و تفسیر موسع قرار می‌گیرد. از دیدگاه نویسندگان، پدیده جهانی شدن با کاهش اثرگذاری اقدام‌های بینادولتی و تأکید بر کنش و اقدام شبکه‌های خصوصی (افراد، شرکت‌ها و مؤسسه‌های جهانی) نظم لیبرالی سنتی را دگرگون کرد (Farrell & Newman, 2019, pp. 37-40). در این چهارچوب، جهانی‌سازی برخلاف ادعاهای موجود و خوش‌بینی‌های برخی از نظریه‌پردازان لیبرال، نوعی ابزار اعمال نفوذ بر سایر بازیگران فراهم کرده است که از نوعی ساختار شبکه‌ای برمی‌خیزد. رفتار تعداد کثیری از بازیگران اقتصادی در جهان به نوعی از یک ساختار یا مکان‌نگاری (توپولوژی) شبکه خودتقویت‌کننده شکل می‌دهد که منجر به در مرکز ماندن برخی گره‌ها در سیستم و وابسته شدن سایر گره‌ها یا بازیگران موجود می‌شود. درنهایت، زمانی که این شبکه‌ها با مکان‌نگاری خود تقویت‌کننده یاد شده، شکل بگیرند، برای سایر بازیگران بسیار سخت است که برای تغییر آن ساختار اقدام کنند. این دگرگونی پیامدهای مهمی برای قدرت دولت و نقش آن در سیاست بین‌الملل و نحوه استفاده دولت‌ها از ابزارهای قدرت خود داشته است (Farrell & Newman, 2019, pp. 39-42).

در نتیجه فرایند/طرحی همانند جهانی‌سازی برخلاف ادعاهای موجود و خوش‌بینی‌های برخی از نظریه‌پردازان لیبرال، نوعی ابزار اعمال نفوذ بر سایر بازیگران فراهم کرده است که از نوعی ساختار شبکه‌ای برمی‌خیزد. رفتار تعداد کثیری از بازیگران اقتصادی در جهان به نوعی مکان‌نگاری شبکه خودتقویت‌کننده منجر می‌شود که منجر به در مرکز ماندن برخی گره‌ها در سیستم و وابسته شدن سایر گره‌ها یا بازیگران موجود به آنها می‌شود. درنهایت، زمانی که این شبکه‌ها با مکان‌نگاری خودتقویت‌کننده یاد شده، شکل بگیرند، برای سایر بازیگران بسیار سخت است که به تغییر آن اقدام کنند.

با این مقدمه، ابتدا به سراغ ارائه تعریفی جامع از نظریه وابستگی متقابل خواهیم پرداخت. در ادامه به تبیین نظریه وابستگی متقابل پیچیده کوهن و نای و ابعاد

1. Henry Farrell and Abraham L. Newman

هستی‌شناسانه آن اشاره می‌کنیم و درنهایت با ارائه تعریفی از مشابهت‌ها و نقاط افتراق نظریه وابستگی متقابل پیچیده و چهارچوب مفهومی وابستگی متقابل تسلیحاتی شده، به بررسی اصول کلی این چهارچوب مفهومی اشاره می‌کنیم. درنهایت، به ایجاد ارتباط میان چهارچوب مفهومی یاد شده و موضوع گسترش استفاده از دارایی‌های مجازی به‌ویژه رمزارزها در نظام پولی و مالی بین‌المللی اشاره می‌کنیم.

۱. چهارچوب نظری

کتاب قدرت و وابستگی^۱ متقابل برای نخستین بار در سال ۱۹۷۷ به چاپ رسید. در این کتاب تلاش شد تا نظریه رئالیسم مورد نقد قرار گرفته و مفاهیم جدید مطرح شده در قالب وابستگی متقابل طرح شود. به نظر آنان رئالیسم در دنیای وابستگی متقابل برای توضیح روابط بین‌الملل بسیار محدود و ناکارآمد است. در نگرش واقع‌گرایانه، دولت - ملت تنها بازیگران اصلی روابط بین‌الملل و زور و قدرت نظامی مهم‌ترین ابزار قابل استفاده در عرصه جهانی و برای پیشبرد سیاست محسوب می‌شوند و همین امر نوعی سلسله مراتب جهانی را به وجود آورده و در ضمن مسائل نظامی - امنیتی را به مسائل اصلی روابط بین‌الملل مبدل می‌سازد، اما در دنیای وابستگی متقابل شرایط کاملاً متفاوت است. در این شرایط بازیگران مهمی به جز دولت - ملت‌ها وجود دارند. قدرت نظامی و اعمال زور تنها ابزار مفید، سودمند و اثرگذار در عرصه روابط بین‌الملل نیست و تأثیر و اهمیت خود را روزبه‌روز بیشتر از دست می‌دهد و نظام سلسله مراتبی به گونه‌ای که رئالیسم بر آن اصرار دارد، رنگ می‌بازد. در این شرایط منابع موجود در عرصه جهانی توزیع شده و همکاری داوطلبانه جایگزین تعارض و مخاصمه می‌شود (Keohane & Nye, 1977, p. 35).
 با این حال، کوهن و نای دیدگاه خوش‌بینانه‌ای در مورد آثار غیرمقارن وابستگی بر کشورهای کوچک دارند. آنان معتقدند که روابط در وابستگی متقابل موجب افزایش فرصت‌های معامله و چانه‌زنی می‌شود و به کشورهای کوچک‌تر اجازه می‌دهد به اهداف خود در منازعه‌های مربوط با کشورهای بزرگتر بهتر از آنچه به نظر می‌رسد، نزدیک شوند.

کوهن و نای در مطالعه‌ای از وابستگی غیرمقارن ایالات متحده و کانادا به این نتیجه می‌رسند که توانایی کانادا در مواجهه با ایالات متحده زمانی که در حالت وابستگی متقابل رخ داده است، افزایش پیدا کرد. از نظر آنان، کانادا از ارتباط پیچیده

متقابل با ایالات متحده که در آن مجراهای جانبی دو جامعه را به هم متصل می‌سازد، برخوردار است. علاوه بر این، عدم وجود سلسله مراتب در مباحث و کم‌رنگ شدن میزان احتمال استفاده ایالات متحده در استفاده از زور، مواردی است که نشان می‌دهد وابستگی متقابل به نفع هر دو کشور بوده است (Keohane & Nye, 1977, pp. 24-29).

در نهایت، نظریه پردازان وابستگی متقابل معتقدند فرضیه‌های رئالیست‌ها در مورد عقلانی بودن و مستقل بودن بازیگران دولتی کاملاً صحیح نیست و نیروی نظامی همیشه نمی‌تواند منافع دولت‌ها را تأمین کند. علاوه بر این، آنان معتقدند که دامنه موضوع‌های مورد توجه در روابط بین‌الملل به شدت بیشتر از آنچه واقع‌گرایان می‌پندارند، گسترده شده است. مباحث جدیدی مانند آلودگی محیط زیستی، حقوق بشر، مهاجرت، بی‌ثباتی پولی و تجاری و مسئله تداوم توسعه برای کشورهای در حال توسعه علاوه بر ابعاد داخلی، دارای جنبه‌های بین‌المللی هم می‌باشند که واقع‌گرایان بدان توجه نمی‌کنند (کوهن، ۱۳۹۷، ص. ۱۷۳).

۱-۱. نظریه وابستگی متقابل پیچیده

نظریه وابستگی متقابل پیچیده^۱ به‌عنوان نقطه تمرکز نظریه‌های نولیبرال در روابط بین‌الملل اقدامی از طرف جوزف نای و رابرت کوهن بود تا به فهم و تبیین عمیقی از اراده دولت‌ها و سایر بازیگران نظام بین‌الملل برای همکاری در شرایط آنارشیک یا بدون نظم مرکزی نظام بین‌المللی دوران جنگ سرد و پس از آن بپردازند (Rana, 2015, p. 290). این مفهوم تأکید خود را روی مسیری که دولت‌ها و سایر بازیگران نظام بین‌الملل برای همکاری استفاده می‌کنند توجه دارد. طرح مفهوم وابستگی متقابل تلاش از طرف رابرت کوهن و جوزف نای در سال ۱۹۷۷ بود که در برابر ایده مرکزی واقع‌گرایان سنتی و ساختارگرا مطرح شد. واقع‌گرایان معتقد بودند که در نظام آنارشیک، نقطه تمرکز رفتاری دولت‌ها در نظام بین‌الملل خودیاری است که از طریق افزایش توانمندی نظامی آنها صورت می‌پذیرد. این یعنی در درجه نخست، دولت‌ها تنها بازیگران موجود نظام بین‌الملل هستند و دوم، دستیابی به قدرت نظامی اولویت اصلی آنها در یک نظام بدون مرکز خواهد بود. در مقابل این ایده بود که کوهن و نای چهارچوب نظری وابستگی متقابل پیچیده را مطرح کردند. در این

چهارچوب، بازیگران نه فقط دولت‌ها بلکه رژیم‌ها و نهادهای بین‌المللی^۱ و شرکت‌های چندملیتی^۲ هستند که به نظام بین‌الملل شکل می‌دهند. به‌علاوه، قدرت نظامی و مسائل امنیتی تنها موضوع‌های مورد توجه بازیگران در محیط بین‌المللی نیست و طیفی از همکاری‌ها در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی و نظامی را باید در نظر گرفت (Keohane & Nye, 1977, p. 8).

کوهن و نای استدلال می‌کنند که در عصر جهانی شدن و وابستگی متقابل، کشورها علی‌الخصوص در حوزه اقتصادی به شدت بهم وابسته می‌شوند و همکاری را بر تنازع ارجحیت می‌دهند. در چنین شرایطی، رفتار بازیگران نظام بین‌الملل برخلاف آنچه واقع‌گرایان از آن به‌عنوان منازعه^۳ و رقابت بر سر منابع یاد می‌کنند، به ترکیبی از رقابت و همکاری^۴ تبدیل می‌شود. در این محیط، کنش‌ها و سیاست‌های بازیگران، آثار متعددی برای سایرین خواهد داشت. در این محیط، بازیگران به شدت از اقدام‌ها و کنش‌های هم تأثیر پذیرند به‌گونه‌ای که می‌تواند اقدام و کنش یک بازیگر موجب ورود آسیب به دیگر بازیگران شود و از سوی دیگر موجب برانگیختن حساسیت آنها شود؛ بنابراین، حساسیت و آسیب‌پذیری^۵ وجه بارز و نتیجه کنش‌های بازیگران خواهد شد. درنهایت، وابستگی متقابل پیچیده را می‌توان در سه گزاره معرفی کرد:

۱- تعدد بازیگران موجود در نظام بین‌المللی اعم از دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی؛

۲- اهمیت موضوع رفاه اجتماعی برای دولت‌ها که آنها را به همکاری به‌ویژه در بعد اقتصادی دعوت می‌کند؛

۳- برتری همکاری بر تنازع در میان الگوهای رفتاری بازیگران سیستم (Genest, 1996, p. 140).

در نظام بین‌الملل مبتنی بر وابستگی متقابل پیچیده، دولت‌ها همکاری می‌کنند چراکه منافع فردی آنها از مسیر همکاری تأمین می‌شود و درنهایت ثبات و شکوفایی^۶ نظام بین‌المللی را در پی خواهد داشت که به نوعی منفعت جمعی محسوب می‌شود. باین حال، حتی در جهان مبتنی بر وابستگی متقابل نیز امکان وقوع درگیری نظامی نادیده انگاشته نمی‌شود. حتی در این وضعیت هم رقابت قابل تصور

1. International Institutions and Regimes
2. Multinational Corporations (MNCs)
3. Conflict
4. Competition and Cooperation
5. Sensitivity and vulnerability
6. Stability and prosperity

است حتی در جایی که سود بسیار زیادی از همکاری کسب می‌شود (Keohane & Nye, 1977, p. 10). بر اساس نظرهای کوهن و نای شرایط یاد شده را نباید وابستگی متقابل متوازن و برابر^۱ تعریف کرد. همان‌طور که کوهن و نای نیز بدان اشاره می‌کنند، سطحی از نابرابری در وابستگی متقابل میان کشورها وجود دارد به آنها منابعی برای اثرگذاری بر سایرین می‌دهد. بازیگرانی که وابستگی کمتری دارند می‌توانند از آن به‌عنوان برگ برنده در مذاکرات و اثرگذاری بر سایرین استفاده کنند (Keohane & Nye, 1977, p. 11).

۱-۲. چهارچوب مفهومی وابستگی متقابل تسلیحاتی شده

چهارچوب مفهومی وابستگی متقابل تسلیحاتی شده^۲ برای نخستین بار توسط هنری فارل و آبراهام نیومن در مقاله‌ای تحت عنوان «وابستگی متقابل تسلیحاتی شده؛ گونه‌های شبکه‌های اقتصادی جهانی به اجبار دولتی شکل می‌دهند»^۳ در سال ۲۰۱۹ در مجله امنیت بین‌الملل^۴ مطرح شد. این نظریه نشان می‌دهد که چطور دولت‌ها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ (همان‌گونه که در مقاله از ایالات متحده و تحریم‌های آن علیه ایران مثال می‌زنند) از نظام به‌هم‌پیوسته اقتصادی جهان جهت دستیابی به اهداف راهبردی خود استفاده می‌کنند. از نگاه فارل و نیومن، شبکه‌های اقتصادی جهانی پیامدهای امنیتی دارند؛ زیرا موجب افزایش وابستگی متقابل بین کشورهایی که قبلاً نسبتاً خودمختار بودند خواهد شد. با این حال، نظریه‌های موجود، راهنمایی‌های کمی در مورد اینکه چگونه دولت‌ها می‌توانند از ساختارهای شبکه‌ای به‌ویژه در اقتصاد جهانی به‌عنوان یک ابزار اجبار تحت چه شرایطی استفاده کنند، ارائه می‌دهند. در عوض نظریه‌های پیشین بر روابط تجاری دوجانبه و آسیب‌پذیری‌های موجود تمرکز کرده است. همچنین، نظریه‌های موجود در مورد اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی و نحوه استفاده آن توسط قدرت‌های بزرگ اشاره چندانی نداشتند، تنها به موفق یا ناموفق بودن تحریم‌ها از نظر اهداف وضع آن توجه داشته است. از دیدگاه این دو، نظریه لیبرالی وابستگی متقابل متعارف به عنصر قدرت توجه می‌کند، اما تنها در جایی که روابط دوجانبه جاری است (Farrell & Newman, 2019, p. 42)؛ بنابراین در نظریه متعارف وابستگی متقابل آنچه توضیح داده می‌شود، دستاوردهای^۵ دوطرف از همکاری

1. Evenly balanced mutual dependence
2. Weaponized Interdependence
3. Weaponized Interdependence: How Global Economic Networks Shape State Coercion
4. International Security
5. Gains

و یا ورود به روابط وابسته‌ساز است نه مسئله شکل‌دهی به بنیان‌های قدرت یک بازیگر در نظام به‌هم‌پیوسته جهانی (Kal Raustiala, 2000, p. 91). در واقع، نویسندگان تلاش می‌کنند تا نحوه تلاقی مکان‌نگاری شبکه‌های وابستگی متقابل اقتصادی جهانی با هنجارها، نهادهای داخلی کشورها و شکل‌دهی به اجبار دولتی را نشان دهند (Farrell & Newman, 2019, p. 43). تحلیل موردتوجه فارل و نیومن به ابعادی تأکید دارد که تاکنون کمتر موردتوجه نظریه‌پردازان علم روابط بین‌الملل بوده است. شبکه‌هایی مانند ارتباطات مالی، زنجیره تأمین^۱ و اینترنت که تا حد زیادی مورد غفلت محققان روابط بین‌الملل قرار گرفته است، در قلب یک درک جدید از جهانی شدن و قدرت شبکه‌ای مورد تحلیل و تفسیر موسع قرار می‌گیرد. از دیدگاه نویسندگان، پدیده جهانی شدن با کاهش اثرگذاری اقدام‌های بینادولتی^۲ و تأکید بر کنش و اقدام شبکه‌های خصوصی (افراد، شرکت‌ها و مؤسسه‌های جهانی) نظم لیبرالی سنتی را دگرگون کرد (Farrell & Newman, 2019, p. 44). این دگرگونی پیامدهای مهمی برای قدرت دولت و نقش آن در سیاست بین‌الملل و نحوه استفاده دولت‌ها از ابزارهای قدرت خود داشته است. برداشت جایگزین فارل و نیومن از وابستگی متقابل یک فرض کاملاً متفاوت را ارائه می‌دهد که در عمل توضیح ساختاری از وابستگی متقابل است که در آن مکان‌نگاری شبکه، عدم توازن قدرت بین دولت‌ها را ایجاد می‌کند؛ لذا، نظریه جدید بجای تمرکز روی موضوع‌هایی همچون منازعه بین‌المللی و تجارت فرامرزی توجه کند، به امکانات و توانمندی‌هایی تأکید دارند که چطور سویه‌های جدید تجارت بین‌المللی، نقل‌وانتقال‌های نوین بانکی و جریان‌های مالی و اطلاعاتی سده بیست‌ویکم، به‌نوعی از فرصت‌های راهبردی شکل می‌دهد که بازیگران مرکز می‌توانند از آن برای تغییر رفتار سایر بازیگران و مراقبت آنها استفاده کنند (Farrell & Newman, 2019, p. 48).

۱-۳. وابستگی متقابل تسلیحاتی شده در نظام بین‌الملل

فارل و نیومن جهت مفصل‌بندی نظریه خود از یک رویکرد جامعه‌شناسانه بهره می‌برند که با استفاده از محاسبه‌های کامپیوتری نشان می‌دهد، چگونه در برخی شبکه‌های عظیم، گره‌ها یا همان نودها^۳، نقشی اساسی در آن بازی می‌کنند، نقشی که قدرتی شبکه‌ای به آن بازیگر اعطاء می‌کند. این گره‌ها به برخی بازیگران در نظام

1. Logistics
2. Interstate
3. Nodes

بین‌الملل نقش هاب^۱ یا مرکز را می‌دهد. حال، نقطه تمرکز نظریه حاضر در کدام موضوع است؟ چه عامل و مؤلفه‌ای این نظریه را با سایر نظریه‌های روابط بین‌الملل به‌ویژه نظریه وابستگی متقابل سنتی متمایز می‌سازد؟ همان‌طور که بدان اشاره شد، دیدگاه جایگزین فارل و نیومن یک تبیین کاملاً متفاوت و ساختاری از وابستگی ارائه می‌کند که در آن مکان‌نگاری^۲ یک شبکه (یا ساختار) عدم تعادل پایدار قدرت را میان دولت‌ها ایجاد می‌نماید.

سیستم‌های نامتقارن ظرفیت مهمی برای ایجاد رابطه وابستگی متقابل تسلیحاتی شده ایجاد می‌کنند که در آن برخی از کشورها و یا دولت‌ها قادر به استفاده از رابطه وابستگی متقابل برای اجبار علیه دیگران استفاده می‌کنند. در این سیستم‌ها روابط به‌صورت خطی و قابل پیش‌بینی شکل نمی‌گیرد و در مقابل پیچیدگی و آشوبی شدن سیستم و ظهور فرایندها و قواعد جدید در سطوح گوناگون از ویژگی‌های این وضعیت خواهد بود (قاسمی، ۱۳۹۹، ص. ۴۲۷). به‌خصوص کشورهایی که از قدرت اثرگذاری بر یک یا مجموعه‌ای از گره‌ها از جمله تعامل‌های پولی، کالایی و انتقال اطلاعات دارند، در این ساختارهای شبکه‌ای بین‌المللی^۳ قادر خواهند بود از مسیر وارد کردن هزینه روی دوش سایر دولت‌ها در این ساختارهای شبکه‌ای، به اعمال قدرت بپردازند (Farrell & Newman, 2019, p. 45). اگر کشورهایی که بر گره‌های یاد شده تسلط داشته دارند، بتوانند از ساختارهای نهادی مناسبی بهره ببرند، می‌تواند اقدام‌های زیر را در قبال سیستم و سایر بازیگران اجرایی سازند؛

- ✓ جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز درباره وضعیت سایر بازیگران در شبکه،
- ✓ پایش و رصد تحرک‌ها و اقدام‌های سایر دولت‌ها،
- ✓ محدود کردن دسترسی دیگر کشورها به جریان منابع اطلاعاتی و اقتصادی در سیستم^۴،
- ✓ کشف و بهره‌گیری از نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های^۵ سایر بازیگران،
- ✓ اعمال تغییرهای سیاستی در بهره‌گیری سایر بازیگران از منابع موجود،
- ✓ و درنهایت، جلوگیری از کنش‌های ناخواسته توسط دیگر بازیگران (Farrell & Newman, 2019, p. 46).

1. HUB
 2. Topography
 3. International networked structures
 4. Choke off economic and information flows
 5. Vulnerabilities

بنابراین، آنچه این نظریه نشان می‌دهد، دو راهبردی اساسی است که برخی بازیگران مسلط بر سیستم، منافع محسوسی را از وابستگی متقابل تسلیحاتی شده می‌برند. این بازیگران از دو ویژگی بارزی تحت عنوان قدرت نظارت مرکزی^۱ و توانمندی محدودکننده در سیستم برخوردارند که به آنها اجازه بهره‌مندی از منابع گسترده‌ای در ساختار را می‌دهد. در مورد نخست (نظارت مرکزی) دولت‌های مسلط بر گره‌های اصلی از توانایی لازم برای نظارت بر دیگر دولت‌ها به‌ویژه دشمنان و رقبای اصلی و کسب اطلاعات مورد نیاز در مورد نحوه عملکرد آنها برخوردارند. در دومین مورد (قدرت محدودکننده) این دولت‌ها یا بازیگران قادرند بازیگران رقیب و دشمن را از منابع کمیاب در سیستم محروم یا کم‌بهره سازند (Farrell & Newman, 2019, p. 46).

مرکز ثقل کار فارل و نیومن آنجاست که توضیح می‌دهند چطور ایالات متحده با استفاده از توسعه سیستم‌های پولی و مالی بین‌المللی و اینترنت جهانی، در کنار توسعه نهادهای داخلی خود، تبدیل به یک بازیگر مرکزی و بی‌همتا در سیستم شده است. همین قدرت سیستمی، مقام‌های ایالات متحده را بر آن داشته است تا با استفاده از مرکزیت در سیستم و امکان نظارت و کسب اطلاعات، از آنها به‌عنوان سلاح علیه سایر رقبا همچون ایران، چین و روسیه استفاده کند. استفاده ایالات متحده از این امکان به‌عنوان سلاح، سایر کشورهای جهان (حتی شرکای اروپایی آن را) به مقابله و ایجاد ساختارهای مشابه وادار کند (پیروز و غلام‌نیا، ۱۴۰۱، ص. ۱۴). این سازوکار تا حدود زیادی ناشی از پدیده یا فرایند جهانی‌سازی است که در بخش بعد ارتباط جهانی شدن و تولید قدرت سیستمی مورد اشاره قرار می‌گیرد (پیروز و غلام‌نیا، ۱۴۰۱، ص. ۱۵).

۴-۱. جهانی‌سازی، شبکه‌های بین‌المللی و وابستگی متقابل

همان‌طور که جهانی‌سازی^۲ به پیش می‌رود پدیده‌های مختلفی نیز با خود به همراه دارد. جهانی‌سازی به‌خصوص گونه جدیدی از شبکه مبادله‌ها در حوزه اقتصادی، فناوری، اینترنتی و سایر حوزه‌ها ایجاد کرد که نظام‌های سیاسی جهان باید با آن همراه باشند یا حداقل بتوانند برای حفظ ارتباط با سیستم از قواعد آن پیروی کنند. نمونه روشن این گزاره، همان‌طور که در بخش پیشین بدان اشاره شد، حوزه

1. Panopticon

2. Globalization

پیام‌رسان مالی جهانی است. تجار و بانک‌های هر کشور جهت انجام امور روزمره خود نیاز دارند تا با سامانه‌های همچون سوئیفت^۱ (که بیش از ۱۵۰ کشور جهان از آن استفاده می‌کنند) کار کنند و نیازهای تجاری و صنعتی، بهداشتی، فناورانه و صدها حوزه دیگر را تأمین نمایند. همین الگوی تعامل را می‌توان در شبکه جهانی اینترنت و ارتباطات سایبری مشاهده کرد، جایی که بسیاری از شرکت‌های خدمات‌دهنده اینترنتی یا تبلیغاتی از این ظرفیت برخوردارند تا به ده‌ها کشور، صدها شرکت یا مؤسسه و میلیون‌ها نفر در سراسر جهان خدمات ارائه کنند. درنهایت، زنجیره تأمین جهانی نیز به شبکه گسترده‌ای از تولیدکنندگان، تأمین‌کنندگان، شبکه‌های حمل بار و بیمه‌ها نیاز دارند که سیاستی همچون جنگ تعرفه‌ای می‌تواند ضربه جبران‌ناپذیری به آن وارد کند.

این نوع از روابط در جهان به‌ویژه از سوی نولیبرال‌ها به وابستگی متقابل پیچیده^۲ معروف شده است، شبکه‌ای که در آن بازیگران متعدد (نه فقط دولت‌ها)، مسائل گوناگون که لزوماً تابع یک نظم بالا به پایین^۳ نیست و درنهایت، زور یا تهدید به استفاده از زور^۴ در آن به‌عنوان ابزار متعارف و ارزشمندی برای دستیابی به اهداف و یا تعامل با سایر بازیگران شناخته نمی‌شود (Keohan, 2009, pp. 35-37). نگاه یاد شده که به رویکرد نولیبرالی معروف است، تأکید می‌کند که در چنین روابطی، کشور یا بازیگری که نوع خاصی از کالا یا خدمات را از یک کشور یا بازیگر مشخص در نظام بین‌الملل تأمین می‌کند، قابلیت ضربه‌پذیری و تحت فشار قرار گرفتن از سوی بازیگر تأمین‌کننده را خواهد داشت. در این چهارچوب، نظریه‌پردازان نولیبرال به منابع قدرت بازیگران توجه دارند و نه به مؤلفه‌ها و متغیرهای ساختاری همچون توزیع و پراکندگی قدرت در جهان. همچنین نظریه نولیبرال بیشتر به آثار و آسیب‌پذیری‌های متقابل بازیگران در چنین سیستمی توجه دارند تا به امکان آسیب یک‌طرفه بازیگران حاضر در نظام.

سایر نظریه‌پردازان لیبرال همچون اسلاتر^۵ تأکید دارند که جهانی‌سازی شبکه‌های نامتمرکز ایجاد می‌کند که فرصت‌هایی برای دیپلماسی همکاری‌جویانه در یک محیط متقارن تولید می‌نماید (Slauther, 2017, p. 163). استعاره‌ای که

1. SWIFT stands for Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication.
 2. Complex Interdependence
 3. Hierarchical Order
 4. Force and the threat of force
 5. Anne-Marie Slaughter

اسلاتر در مورد جهانی‌سازی از آن بهره می‌برد بیشتر شبیه به یک شبکه به هم پیوسته‌ای از نقطه‌هاست تا صفحه شطرنج. در این شبکه نقطه‌ها مسیرهای گوناگونی برای اتصال و ارتباط با یکدیگر پیدا می‌کنند که آنها از تسلط نقطه‌های مرکزی رهایی می‌دهد. در این نوع برداشت شبکه‌ای، قدرت بیشتر به معنای قدرت با دیگران^۱ تعریف می‌شود تا اعمال قدرت بر دیگران^۲ و ایجاد روابط یک‌طرفه (Slauther, 2017, p. 163).

۲. سوبیه‌های نوین قدرت شبکه‌ای؛ دیدبانی و محدودسازی

فارل و نیومن اشاره می‌کنند که شبکه‌های اقتصادی جهانی به برخی بازیگران این اجازه را می‌دهند که از وابستگی متقابل به عنوان سلاح استفاده کنند. در واقع، این وضعیت دو ابزار حیاتی برای استفاده به عنوان سلاح به این کشورها می‌دهد. ابزار نخست، قابلیت دسترسی به اطلاعات حیاتی است که نظارتی و دیدبانی در پی دارد. کشورهایی که دسترسی فیزیکی به گره‌های مرکزی دارند و یا نظام قضایی آنها از طرف سایر بازیگران مورد تأیید است به طوری که نوعی امکان قانون‌گذاری برای سایر بازیگران شبکه جهت دسترسی به اطلاعات را فراهم می‌کند، از این نوع قدرت بهره می‌برند. زمانی که بازیگران در یک سیستم شبکه‌ای خاص (همانند نظام پیام‌رسان بین بانکی جهانی) فعالیت می‌کنند، جهت دسترسی به مرکز یا مراکز شبکه به کشور یا بازیگری وابسته می‌شوند که نظام قضایی آن بر هاب یا مرکز تسلط دارد، این گونه اطلاعات مورد نیاز را در اختیار کشورهای مرکزی قرار می‌دهند. همان‌طور که هارولد جیمز^۳ بدان اشاره می‌کند، در موج نخست جهانی‌سازی، جریان انتقال پول، سرمایه، فناوری و نیروی کار به شدت به قدرت جهانی بریتانیا و به‌طور خاص زیرساخت‌های مالی شهر لندن وابسته بود. از نظر هارولد جیمز، در مرکز قرار گرفتن بریتانیا به عنوان هاب جریان سرمایه، تجارت و بیمه جهان به سیاست‌سازان این کشور جهت‌دهی نوینی ارائه کرد. بریتانیا در این زمان قدرت نظامی و اقدام‌های امنیتی خود در نظام بین‌الملل را متمرکز بر جریان تجارت بین‌المللی و کالاهای راهبردی جهانی و مسیرهایی که امکان ایجاد اختلال در تجارت جهانی در آن وجود دارد، ساخت (James, 2014, pp. 37-57).

پیشرفت فناوری اطلاعات در سال‌های اخیر نیز بر سرعت این روند افزوده است و

1. Power with
2. Power over
3. Harold James

دولت‌های مرکز قادرند از جایگاه خود برای کسب اطلاعات دشمنان یا بازیگران ثالث^۱ استفاده نمایند. این فناوری‌ها و امکان دسته‌بندی اطلاعات موجود از تراکنش‌های هر بازیگری در بانک‌های بزرگ جهان و اتاق‌های تسویه، بانک‌ها را تبدیل به خزانه اطلاعاتی بسیار جذابی برای کشورهایی همچون ایالات متحده کرده است. کشورهایی که از چنین امتیازهای گرانبهایی برخوردارند، از این می‌توانند با سهولت بیشتری نیت‌ها و روش‌های دشمنان^۲ خود را شناسایی و برای خنثی‌سازی آن اقدام کنند. همین برتری راهبردی است که به دولت‌های صاحب امتیاز دسترسی به هاب امکان طراحی ساختارها و رژیم‌های جدید، ایجاد روندهای مذاکره‌ای و انجام اقدام‌های خاصی در برابر دشمنان می‌دهد (Farrell & Newman, 2019, p. 58).

ابزار و مسیر دوم، قدرت محدودسازی دشمنان یا سایر بازیگران است که بازیگرانی با دسترسی بیشتر به گره‌های مرکزی از آن بهره می‌برند. بازیگران مرکز تلاش می‌کنند از طریق محدودسازی دسترسی سایرین و یا جریمه کردن^۳ آنها به اعمال قدرت بپردازند. نمونه تاریخی ادعای اخیر را می‌توان در تبیین نیکولاس لمبرت^۴ از اقدام‌های بریتانیا در حوزه ارتباطات بین‌المللی پیش از جنگ نخست جهانی^۵ مشاهده کرد. بریتانیا به دلیل انحصاری که در حوزه فناوری اطلاعاتی و ارتباطی در حوزه تجارت بین‌المللی پیش از جنگ جهانی داشت، از آن به‌عنوان ابزاری برای خرابکاری و ضربه‌زدن به دشمنانش استفاده می‌کرد (Lambert, 2012). همین علت بود که در آن زمان آلمان اقدام به ایجاد شبکه کابلی زیردریایی نمود تا از مزیت بریتانیا در این حوزه و مراقبت شدن توسط لندن خودداری کند (Tworek, 2019). حال اگر تنها یک یا دو هاب در سیستم وجود داشته باشد، برای گره‌های مرکزی یا بازیگران بسیار آسان است که از مسیرهای گوناگون همچون مراقبت قضایی^۶ (یا صلاحیت رسیدگی) به کسب اطلاعات، محدودسازی و توقف رقبا دست‌زد.

ماهیت متغیر استفاده از روش‌ها توسط گره‌های مرکزی برای مراقبت و محدودسازی رقبا به مکان‌نگاری^۷ شبکه و توسعه نهادی کشورها یا بازیگران بازمی‌گردد. در عصر جهانی‌سازی، به‌دلیل ماهیت متمرکز هاب شبکه‌های مختلف در

1. Third party
2. Adversaries intention and tactics
3. Penalize
4. Nicholas Lambert
5. World War I
6. Jurisdiction
7. Network Topology

کشورهای صنعتی به‌ویژه ایالات متحده که در حوزه فناوری و بازارهای مالی دست برتر را دارد، این کشورها از توان بالاتری برای طراحی قواعد، نظارت و محدودسازی سایر بازیگران برخوردار است. این ویژگی‌ها نشان از آن دارد که تنها چند بازیگر مرکزی همچون ایالات متحده، اتحادیه اروپا و احتمالاً چین از قابلیت مراقبت و محدودسازی رقبا برخوردارند و سایرین تنها می‌توانند به ایجاد اختلال در شبکه (در راستای اثرگذاری) اقدام ورزند. در مرحله بعد، دولت‌های مرکزی باید از قابلیت نهادی و قاعده‌سازی داخلی برخوردار باشند به طوری که امکان مراقبت و نظارت رقبا و سایر بازیگران را شامل شود (Farrell & Newman, 2014, p. 361).

۳. تعادل شبکه‌ای: نمونه پیام‌رسان سوئیفت و اینترنت جهانی

فارل و نیومن با اشاره به تحولات فناورانه جهت کاهش هزینه و زمان تراکنش‌ها و معامله‌ها در ساختار پیام‌رسان‌های مالی بین‌المللی و شبکه اینترنت جهانی، نشان می‌دهد که چطور این تحولات فناورانه به‌ویژه توسط بازیگران مرکز منجر به ایجاد شکاف در دسترسی به منابع و اطلاعات و درنهایت افزایش قدرت مراقبتی آنها می‌شود. به‌همین منظور دو حوزه اینترنت جهانی و پیام‌رسان سوئیفت مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۳-۱. مرکزیت سوئیفت در اقتصاد جهانی

جهت مدیریت میلیون‌ها تراکنش روزانه که در اقتصاد جهانی رقم می‌خورد، تعداد زیادی مؤسسه، نهاد و رژیم کوچک و بزرگ طراحی شدند تا به تسهیل جریان انتقال سرمایه بپردازند. یکی از مهم‌ترین این نهادها، پیام‌رسان‌های مالی بین‌المللی هستند که بانک‌ها و کسب‌وکارها^۱ به آن وابسته هستند تا منابع را از یک واحد اقتصادی به دیگر واحدها انتقال دهند. از ابتدای دهه ۱۹۷۰ ارتباطات اینترنتی بین‌بانکی توسط سوئیفت فراهم شد (Jones & Whitworth, 2014, p. 21-30). تا پیش از ایجاد سوئیفت، بیشتر تراکنش‌های بین‌المللی از طریق شرکت‌های فراهم‌کننده ارتباط از راه دور^۲ ملی یا از طریق ارسال تلکس^۳ صورت می‌گرفت که بسیار ناامن و کند بودند. همین عامل سبب شد تا بانک‌های بزرگ جهانی همچون سیتی بانک^۴ ایالات متحده

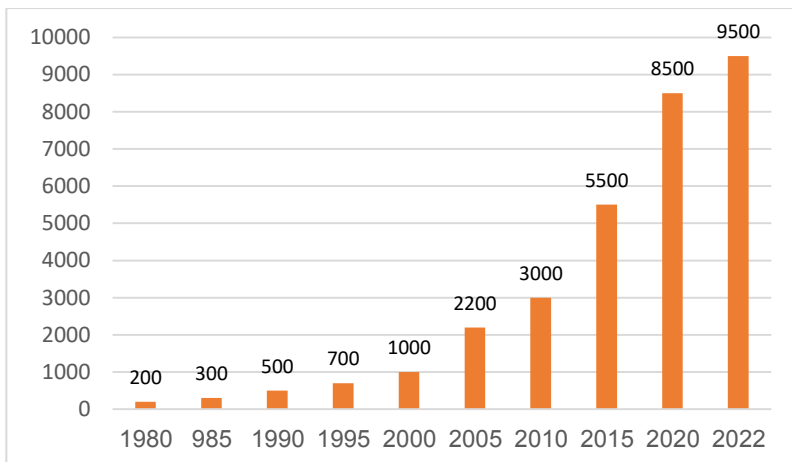
1. Businesses
2. Telecommunications providers
3. Telex
4. City Bank of New York

به دنبال ایجاد سامانه‌های امن انتقال پیام بانکی باشند. اما تعداد زیادی از بانک‌های کوچک اروپایی و همکاران آنها در ایالات متحده به فکر ایجاد یک پیام‌رسان جهانی افتادند که بتواند حجم بالایی از تراکنش‌های روزانه را گزارش کند که همین اقدام منجر به ایجاد سوئیفت در سال ۱۹۷۳ شد (Farrell & Newman, 2015, pp. 521-524). هدف اصلی ایجاد چنین سامانه‌ای انتقال دستورالعمل‌های مالی و پیام‌ها بود که باید میان بانک‌های عامل، مؤسسه‌های مالی و حتی بانک‌های مرکزی صورت می‌گرفت. امروزه سوئیفت عامل مهمی در ارائه مجوز به تراکنش‌ها، تأیید اصالت آنها و ثبت و ضبط معاملات بین‌المللی می‌باشد. به دلیل رقابت‌های گسترده میان لندن و نیویورک به عنوان هاب تجارت جهانی، مقر اصلی سوئیفت در شهر بروکسل^۱ بلژیک قرار داده شد (Farrell & Newman, 2019, p. 59).

در اوایل دهه ۱۹۸۰ تنها ۲۲ کشور، ۵۰۰ شرکت و مؤسسه با حجم روزانه به‌طور میانگین ۳۰۰۰ پیام از این سامانه استفاده می‌کردند، اما به دلیل رشد استفاده از این سامانه در سال ۲۰۲۰، بیش از ۲۰۰ کشور جهان از این سامانه استفاده می‌کنند که شامل ۱۱ هزار شرکت و مؤسسه و انتقال سالانه بیش از ۹٫۵ میلیارد پیام می‌شود (Scott & Zachariadis, 2014, p. 107). این حجم از استفاده در نهایت به شورای اروپا^۲ این قدرت را داد که از آن به عنوان یک سلاح در برابر دشمنان و رقبا استفاده کند. اتحادیه اروپا حتی برای جلوگیری از ایجاد این شائبه، در سال ۱۹۹۷ قانونی وضع کرد که از تبدیل این سامانه به عنوان یک مونوپولی یا انحصار جلوگیری کند و دسترسی آزاد اطلاعات برای همه شرکا و بازیگران را فراهم نماید، اما همان‌طور که امروزه قابل مشاهده است، اروپا و ایالات متحده تلاش‌های مشترک گسترده‌ای برای به‌کارگیری این سامانه به عنوان یک سلاح علیه رقبایی همچون ایران و روسیه انجام داده‌اند.

1. Brussels

2. Commission of the European Union



Source: <https://www.swift.com/news-events/publications>

نمودار (۱): تعداد پیام‌های ارسال شده در سامانه سوئیفت (به میلیون)

۳-۲. اینترنت جهانی: همه راه‌ها به ویرجینیای شمالی ختم می‌شود^۱

زمانی که در ابتدای دهه ۱۹۹۰ طرح اینترنت جنبه عمومی و جهانی به خود گرفت، تصور می‌شد که این طریق می‌توان در برابر تمرکز و انحصار مقاومت کرد. کسانی همچون بیل کلینتون^۲ رئیس جمهور پیشین ایالات متحده تصور می‌کردند که اینترنت در مقابل نظارت‌های برونی مصون است. برخلاف خطوط تلفن که از طریق سوئیچ‌های جهانی به هم متصل است، این ایده در مورد اینترنت جهانی وجود داشت که ارتباطات میان چند گره مختلف در جهان توزیع شده است به طوری که هیچ کدام از اهمیت و برتری خاصی نسبت به دیگران برخوردار نیست. پروتکل‌هایی همچون پروتکل مراقبت مخابرات و پروتکل اینترنت^۳ سبب می‌شد تا به سرعت نقاط اختلال در سیستم شناسایی شود و سانسور حکومت‌ها بر این شبکه غیرممکن شود. همین انگاره موجب شد برخی اندیشمندان از ظهور عصر جدیدی از آزادی انسان صحبت به میان بیاورند، اما برخلاف این تصور خام، زیربنای معماری اینترنت به سرعت به سمت تمرکز حرکت کرد (Tucker et al, 2017, pp. 46-59). به تدریج برخی گره‌ها و تعامل‌ها میان آنها مهم‌تر از سایرین شد. دولت‌ها قادر شدند میزان شدآمد (ترافیک) ورودی و خروجی به کشورشان را مدیریت کنند، درحالی‌که از توان

1. All roads lead through northern Virginia

2. Bill Clinton

3. Transmission Control Protocol/Internet Protocol

نهان‌سازی (سانسور یا فیلتر) هر تارنما یا شبکه‌ای نیز برخوردارند. لایحه تسهیل ارتباطات^۱ کنگره ایالات متحده در سال ۱۹۹۶ موجب شد، شرکت‌های خصوصی همچون گوگل، فیسبوک، آمازون، یوتیوب و تعداد زیادی از شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات برخط تجاری، بتوانند از الگوریتم خود برای قاعده‌گذاری و تنظیم ارتباط میان کاربران و شبکه برخوردار شوند (Balkin, 2008, p. 427). در این موقعیت تنها کشور چین بود که توانست شبکه‌های جایگزینی برای شرکت‌های خدمات اینترنتی و شبکه‌های مجازی آمریکایی ایجاد کند که با نظارت دولتی همراه بود. این در حالی است که کشورهای کوچک از همچنین توانایی برخوردار نیستند. وجود چنین شرکت‌هایی موجب می‌شود بخش بزرگی از شدآمد (ترافیک) جهانی اینترنت از ایالات متحده عبور کند که به دولت این کشور امکان نظارت و مراقبت بیشتری می‌دهد. هرچه سرویس‌های برخط بیشتری به سمت معماری ذخیره ابری^۲ حرکت می‌کنند که اطلاعات بیشتری از مشترکان خود را آن نگهداری می‌کنند و مشترکان نیز از اصول و قواعد این شرکت‌ها تبعیت می‌کنند، این شرکت‌ها را تبدیل به گره‌های مرکزی شبکه می‌کند که به دولت‌های آنها قدرت سیاسی بیشتری اعطاء می‌نماید (Farrell & Newman, 2019, p. 65).

پژوهشی نشان می‌دهد که بیشتر از ۷۰ درصد کل شدآمد (ترافیک) اینترنتی جهانی از مرکز خدمات وب آمازون عبور می‌کند که در ویرجینیای شمالی مستقر است (Freed & September, 2016, p. 14). مؤلفه‌هایی مانند کابل‌های اپتیک بین قاره‌ای^۳، نقاط تبادل میان شبکه‌ای^۴، خدمات‌دهندگان انحصاری همچون گوگل و آمازون، مراکز توزیع دیتای جهانی که بر اساس تقسیم‌های جغرافیایی استقرار یافته‌اند، به نوعی به ایجاد یک شبکه نسبتاً نامتقارن شکل دادند که در آن اطلاعات به جای اینکه به صورت غیرمتمرکز توزیع شوند، از مسیر گره‌های موجود در هاب‌های کلیدی حرکت می‌کنند و به کشورهایی همچون ایالات متحده اجازه بهره‌برداری از آن را می‌دهد.

۴. وابستگی متقابل تسلیحاتی شده و ظهور دارایی‌های مجازی

همان‌طور که فارل و نیومن در تبیین مفهوم وابستگی متقابل تسلیحاتی شده اشاره

1. Communications Decency Act 1996

2. Cloud Storage

3. Transcontinental fiber optic cables

4. Internet Exchange Point

می‌کنند، دیگر نمی‌توان از شبکه‌های متقارن اطلاعاتی صحبت به میان آورد. گره‌های کلیدی شبکه در هر حوزه موضوعی، از امکانات و دسترسی‌های بیشتری نسبت به سایر بازیگران برای بهره‌مندی از مزایای آن بهره‌مند هستند. علاوه بر این دو کارویژه نظارت و محدودسازی که در چهارچوب وابستگی متقابل تسلیحاتی از آن سخن به میان آمد، به بازیگران کلیدی در سیستم بین‌الملل اجازه می‌دهد تا قدرت خود را به صورت نامتقارنی در شبکه تعمیم دهند. شبکه‌های اقتصادی جهانی پیامدهای امنیتی دارند؛ زیرا موجب افزایش وابستگی متقابل بین کشورهایی که قبلاً نسبتاً خودمختار بودند خواهد شد. باین حال، نظریه‌های موجود، راهنمایی‌های کمی در مورد اینکه چگونه دولت‌ها می‌توانند از ساختارهای شبکه‌ای به‌ویژه در اقتصاد جهانی به عنوان یک ابزار اجبار تحت چه شرایطی استفاده کنند، ارائه می‌دهند. در عوض نظریه‌های پیشین بر روابط تجاری دوجانبه و آسیب‌پذیری‌های موجود تمرکز کرده است. همچنین، نظریه‌های موجود در مورد اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی و نحوه استفاده آن توسط قدرت‌های بزرگ اشاره چندانی نداشتند تنها به موفق یا ناموفق بودن تحریم‌ها از نظر اهداف وضع آن توجه داشته است.

تاکنون دولت‌ها و بازیگران تأثیرگذار اقتصاد جهانی تکلیف خود را با پدیده دارایی‌های مجازی به خصوص رمزارزها^۱ مشخص نکرده است. در برخی کشورها سازوکارهایی برای پرداخت با رمزارز طراحی شده و در برخی کشورها در برابر هر گونه معامله و استفاده از رمزارز مقاومت می‌شود. اینجاست که گونه‌هایی از ساختار نابرابر در جهان شکل می‌گیرد، جایی که در آن کشورهای هاب شبکه جهانی اکثر دارایی‌های مجازی تولید شده در جهان را تا حدی در مراقبت خود قرار می‌دهند؛ به عنوان نمونه، اکثر رمزارزهای شناخته شده در جهان، مبدأ آمریکایی دارند، تعداد زیادی از آنها در برابر دلار قیمت‌گذاری می‌شوند و حتی بانک‌ها و مؤسسه‌های خدمات‌دهنده به بیت‌کوین یا هر رمزارز دیگری در جهان؛ از دلار به عنوان سازوکار تسویه پرداخت‌های مبتنی بر رمزارزها استفاده می‌کنند. علاوه بر این، بیشتر صرافی‌های شناخته شده جهان اصالت آمریکایی دارند و از قواعد نظام مالی این کشور تبعیت می‌کنند. این در حالیست که صندوق بین‌المللی پول در مورد استفاده از ارزهای مجازی از جمله بیت‌کوین هشدار داده و خواستار تصویب قوانین بیشتری برای حفاظت از مصرف‌کنندگان و مقابله با پولشویی و تروریسم مالی شده است.

نکته مهم‌تر آنجاست که در صورت صلاحدید مقام‌های قضایی این کشور، شرکت‌های تولیدکننده رمزارزها، یا بانک‌ها و صرافی‌های مجازی که به انتقال ارزش این ارزها مشغول هستند، می‌بایست همه اطلاعات موجود را به مقامات قضایی ایالات متحده انتقال دهند. این واقعیت، نشان می‌دهد که دولت ایالات متحده از توان نامحدودی برای مراقبت، نظارت و حتی جهت‌دهی به سازوکارهای موجود در دنیای رمزارزها برخوردار است.

حال اگر یک شرکت خدمات‌دهنده اینترنتی همچون فیسبوک یا توئیتر اگر بخواهند رمزارزهای مربوط به خود را منتشر کنند، این ایالات متحده است که امکان قاعده‌گذاری، نظارت و محدودسازی خود را گسترش داده است. تصور کنید شبکه اجتماعی همچون فیسبوک با بیش از دو میلیارد کاربر در جهان به‌صورت گسترده اقدام به ارائه رمزارز خصوصی خود نمایند. در این شرایط، شرکتی همچون فیسبوک که ماهیتی آمریکایی دارد همه اطاعات مالی و بانکی کاربران را در کنار سایر اطلاعاتی که از پیش در اختیار داشت به دولت ایالات متحده انتقال می‌دهد و این کشور می‌تواند از این مسیر شبکه‌ای برای مراقبت تجارت جهانی آن هم در عرصه رمزارزها بهره ببرد.

فرایند یاد شده می‌تواند منجر به افزایش نقش و جایگاه دلار ایالات متحده در نظام پولی و مالی بین‌المللی گردد. هر چه اقتصادهای صادرات‌محور و دارای تراز تجاری مثبت اتکای بیشتری بر دلار آمریکا داشته باشند، میزان ذخایر دلار در بانک‌های مرکزی کشورهای یاد شده افزایش می‌یابد. همین روند انباشته شدن دلار در ترازنامه مالی بانک‌های مرزی سبب می‌شود این پول به‌عنوان ذخیره ارزش عمل نماید و قدرت سلطه‌گری (هژمونیک) آمریکا را بازتولید کند. چراکه سرمایه‌گذاران بزرگ همچنان از دلار به‌عنوان ابزار معامله‌های بین‌المللی و سرمایه‌گذاری استفاده خواهند کرد (کریمی؛ نصیرزاده و میرترابی، ۱۴۰۰، ص. ۷۲۴).

آن‌گونه که فارل و نیومن استدلال می‌کنند در چنین شرایطی تنها دولت‌ها و بازیگرانی می‌توانند از شرایط موجود بهره ببرند که نهادها و قواعد داخلی مناسبی را توسعه داده باشند؛ به‌عنوان نمونه، دولت ایالات متحده سیستم نظارتی ارز دیجیتال را جدید را پیشنهاد داده است که به موجب آن این کشور تعدادی از کارگزاری‌های ناظر بر صنعت رمزارزها را با یک تنظیم‌کننده فدرال^۱ تازه تأسیس جایگزین می‌کند.

1. Federal Regulator

در عمل، دولت آمریکا قصد دارد با تسلط بر بازار ارزهای دیجیتال اهرم قدرتی مشابه که در سوئیفت و دلار دارد، در بازار ارزهای دیجیتال به دست آورد. به این موارد باید قدرت کنترلی اتاق‌های تسویه در نیویورک، نظارت گسترده فدرال رزرو بر شبکه بانک‌های بین‌المللی که در معامل‌های روزمره خود از دلار استفاده می‌کنند را اضافه کرد. مسئله تأثیرپذیری مستقیم بازار رمزارزها از سیاست‌های فدرال^۱ رزرو در ایالات متحده است. همان‌گونه که در چند سال اخیر به‌ویژه پس از شیوع ویروس کوید ۱۹ شاهد آن بودیم، تغییر در نرخ بهره^۲ اعلامی توسط فدرال رزرو نقش پررنگی در اقبال جهانی به بازار رمزارزها دارد و این خود نوعی تسلط و مراقبت دولت این کشور بر بازار یاد شده را نشان می‌دهد. این بانک با سیاست‌هایی همچون کنترل تورم و کاهش روند رو به رشد قیمت مصرف‌کننده در ایالات متحده، اقدام به افزایش نرخ بهره می‌کند. زمانی که نرخ بهره افزایش می‌یابد، سرمایه‌گذاران و افراد تمایل ندارند تا سرمایه خودشان را صرف دارایی‌های پرخطر مثل ارزهای دیجیتال کنند و این سرمایه را به قصد کسب سود بیشتر و مطمئن در بانک سپرده‌گذاری می‌کنند. به علاوه، با افزایش نرخ بهره، سرمایه‌ها از بازارهای مالی مثل بازار ارزهای دیجیتال و بورس خارج می‌شود و وارد بانک‌ها خواهد شد که همین موضوع نیز سبب افت ارزش بازارهای رمزارزها خواهد شد.

بنابراین، به روشنی قابل ملاحظه است که چگونه کشوری همچون ایالات متحده می‌تواند از نهادهای داخلی خود جهت مراقبت بر شبکه تجارت رمزارزها در جهان بهره‌برد. همچنین، این قدرت مراقبتی به‌نوعی می‌تواند سبب فعال‌سازی قدرت محدودکنندگی ذاتی بازیگران حاکم بر شبکه تجارت جهانی رمزارزها شود. این توانمندی دولت و کنگره آمریکا را برای هرگونه نظارت، سیاست‌گذاری، محدودسازی و تعمیم قوانین داخلی خود به سایر جهان‌باز می‌گذارد.

۵. رمزارزها و سیاست‌گذاری کشورها

اهمیت قدرت شبکه‌ای و چالش‌هایی که برای کشورهای مستقل پدید می‌آورد سبب شد دولت‌ها به طراحی اقدام‌های حفاظتی روی بیاورند که میزان آسیب‌پذیری آنها در شبکه را کاهش دهد. همین مشکلات موجب شد که بسیاری از کشورها قوانین بسیار سختگیرانه‌ای در استخراج رمزارزها و تجارت آنها وضع کرده‌اند. کشورهایی

1. Federal Reserve
2. Interest Rate

همچون چین، هند، روسیه، آفریقای جنوبی و تعداد دیگری از کشورهای جهان با وضع قوانین محدودکننده تلاش می‌کنند از میزان آثار آتی این وضع جلوگیری کنند. هند تنها کشوری نیست که نظر مثبتی به رمزارزها ندارند و چند کشور دیگر نیز به دلایل مختلفی خرید و فروش رمزارز را محدود یا ممنوع کرده‌اند. دولت چین نیز با وجود فعالیت زیادی که افراد حقیقی و حقوقی در این کشور در بازار رمزارزها دارند، نسبت به از دست دادن سرمایه‌ها در این بازار هشدار داده است. فعالیت‌ها در حوزه دارایی‌های مجازی در سرتاسر چین ممنوع شده و بسیاری از صرافی‌ها اعلام کردند که دیگر نمی‌توانند به شهروندان چینی خدمات دهند و آدرس اینترنتی کاربرانی با مبدأ چین را هم مسدود خواهند کرد.

دولت الجزایر در شمال آفریقا نیز از سال ۲۰۱۸ با تصویب قوانین جدید به صورت رسمی ممنوعیت استفاده از رمزارزها را اعلام کرد. بر اساس این قوانین، هر گونه فعالیتی که با ارزهایی که مجازی در نظر گرفته می‌شوند مرتبط باشد، ممنوع خواهد بود. در مصر نیز گفته شده که قوانین و قواعد دینی استفاده از رمزارز را جایز نمی‌داند. مجلس مصر اعلام کرده است که حضور رمزارزها و استفاده از آنها ممکن است تهدیدی برای امنیت ملی محسوب شود. همچنین دولت مصر باور دارد که بی‌ثباتی مشهود رمزارزها می‌تواند به اقتصاد این کشور آسیب بزند (Euronews, 2022/08/25). ترکیه بازار رمزارز دارد، اما گویا دولت این کشور چندان از این موضوع خشنود نیست. در آوریل ۲۰۲۱ دولت ترکیه اعلام کرد به دلیل خطرهای مرتبط با رمزارزها، استفاده از آنها به عنوان یک گزینه پرداختی ممنوع است و حتی رئیس جمهور اردوغان در یک سخنرانی اعلام کرد که این کشور در جنگ مستقیم با ارزهای دیجیتالی است (CoinTelegraph, Sep 20, 2021).

کشوری همچون ژاپن اما موضع متفاوتی در ارتباط با نمونه‌های قبلی اتخاذ کرده و بیت‌کوین را به عنوان یک روش پرداخت به رسمیت شناخته است؛ یعنی با رمزارزها مانند دارایی‌هایی رفتار می‌شود که می‌توانند در پرداخت‌ها مورد استفاده قرار بگیرند و می‌توان آنها را به صورت دیجیتال منتقل کرد؛ بنابراین ژاپن از سود حاصل از تجارت بیت‌کوین به عنوان درآمد کسب‌وکار مالیات دریافت می‌کند (Complyadvantage, June 10, 2022).

فدراسیون روسیه تاکنون اقدام قانونی برای ممنوعیت رمزارزها انجام نداده، اما مشخص است که دولت این کشور قصد دارد این بازار را محدود کند؛ برای مثال، در ژوئن ۲۰۲۰، قانونی در دومای روسیه به تصویب رسید که رمزارزها را هم مشمول

مالیات می‌داند. علاوه بر این، استفاده از رمزارزها به‌عنوان یک روش پرداخت در روسیه غیرقانونی محسوب می‌شود. در حال حاضر دولت بنگلادش نیز امکان تبادل رمزارزها را فراهم نمی‌کند؛ زیرا تبادل این نوع ارزها با قوانین و مقررات مالی این کشور به‌ویژه قانون جلوگیری از پولشویی مصوب سال ۲۰۱۲ و قانون ضدتروریسم مصوب سال ۲۰۰۹ در تضاد است (Reuters, May 18, 2022).

در قاره آمریکا نیز کشورهای مختلف سیاست‌گذاری مشابهی در پیش گرفتند. اکوادور در آمریکای جنوبی در ژوئن ۲۰۱۴ استفاده از رمزارزها را ممنوع اعلام کرد. این در حالیست که اکوادور تصمیم دارد پول الکتریکی خود را عرضه کند که توسط بانک مرکزی این کشور پشتیبانی خواهد شد. دولت آمریکا با بیت کوین مانند یک دارایی برخوردار می‌کند و از آن مالیات بر دارایی دریافت می‌شود؛ شهروندانی که در ازای بیت کوین کالا یا خدمات می‌فروشند، موظفاند ارزش بیت کوین دریافتی را در اظهارنامه‌های مالیاتی سالانه خود ارائه کنند. دستمزد پرداختی به بیت کوین هم مشمول پرداخت مالیات فدرال می‌شود و در صورت تخطی در اظهار، متخلفان این موارد با پیگرد قانونی روبرو خواهند شد. بانک مرکزی کوبا، شهرویر امسال اعلام کرد از این پس رمزارزهایی نظیر بیت کوین را به رسمیت می‌شناسد و بر بازار و معاملات آنها نظارت خواهد داشت. رئیس‌جمهور فلسطینی تبار السالوادور نیز تابستان امسال از راه‌اندازی زیرساخت‌های این کشور برای حمایت از بیت کوین به‌عنوان پول رسمی خبر داد (Nber, July 7, 2020).

درواقع، رمزارزها به تهدیدی جدی برای دولت‌ها و تسلط مالی آنها تبدیل شده و در نتیجه کشورهایی که از نظر اقتصادی قدرتمندتر یا به دنبال تسلط اقتصادی خود در جهان هستند، نسبت به استفاده از رمزارز مقاومت بیشتری نشان می‌دهند. از سوی دیگر حذف نهاد واسطه نقل و انتقال‌های مالی به این معنی که مراقبت بر مبادله‌های مالی دستخوش تحول جدی می‌شود، موضوع قابل توجهی است که برای بسیاری از دولت‌ها قابل چشم‌پوشی نیست. از سوی دیگر فرار مالیاتی، پولشویی، تسهیل قاچاق و معامله کالاهایی مانند مواد مخدر و اسلحه نیز از دیگر خطرهایی است که در رابطه با رمزارزها مطرح شده و سبب واکنش‌هایی از سوی نهادهای مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی شده است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا با استفاده از چهارچوب مفهومی وابستگی متقابل پیچیده آثار ظهور رمزارزها بر رقابت دولت‌ها برای کسب قدرت در نظام بین‌الملل تبیین شود. شبکه‌های اقتصادی جهانی پیامدهای امنیتی دارند؛ زیرا موجب افزایش وابستگی متقابل بین کشورهایی که قبلاً نسبتاً خودمختار بودند خواهد شد. دو کارویژه نظارت و محدودسازی که در چهارچوب وابستگی متقابل تسلیحاتی از آن سخن به میان آمد، به بازیگران کلیدی در سیستم بین‌الملل اجازه می‌دهد تا قدرت خود را به صورت نامتقارنی در شبکه تعمیم دهند. شبکه‌های اقتصادی جهانی پیامدهای امنیتی دارند؛ زیرا موجب افزایش وابستگی متقابل بین کشورهایی که قبلاً نسبتاً خودمختار بودند خواهد شد. با این حال، نظریه‌های موجود، راهنمایی‌های کمی در مورد اینکه چگونه دولت‌ها می‌توانند از ساختارهای شبکه‌ای به‌ویژه در اقتصاد جهانی به‌عنوان یک ابزار اجبار تحت چه شرایطی استفاده کنند، ارائه می‌دهند. در عوض نظریه‌های پیشین بر روابط تجاری دوجانبه و آسیب‌پذیری‌های موجود تمرکز کرده است. همچنین، نظریه‌های موجود در مورد اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی و نحوه استفاده آن توسط قدرت‌های بزرگ اشاره چندانی نداشتند تنها به موفق یا ناموفق بودن تحریم‌ها از نظر اهداف وضع آن توجه داشته است

همان‌طور که بدان اشاره شد، اقتصاد جهان هنوز تکلیف خود را با رمزارزها مشخص نکرده است، اما تسلط دولت‌هایی همچون ایالات متحده و برخی دولت‌های اروپایی بر بازار رمزارزها و امکان بین‌المللی‌سازی قوانین داخلی آنها از این مسیر، کشورهای جهان را بر آن داشت تا به طراحی مسیری برای کاهش میزان آسیب‌پذیری در شبکه اقتصاد جهانی بپردازند. در برخی کشورها سازوکارهایی برای پرداخت با رمزارز طراحی شده و در برخی کشورها در برابر هرگونه معامله و استفاده از رمزارز مقاومت می‌شود. در مورد رمزارزها نیز درب بر همان پاشنه می‌چرخد به طوری که در جهان امروز اکثر ارزهای مجازی تولید شده در جهان، مبدأ آمریکایی دارند و یا اکثر آنها در برابر دلار قیمت‌گذاری می‌شوند. علاوه بر این، بیشتر صرافی‌های شناخته شده جهان اصالت آمریکایی دارند و از قواعد نظام مالی این کشور تبعیت می‌کنند؛ بنابراین، عواملی همچون امکان دستکاری اجزای اقتصاد کلان یک کشور از طریق ورود رمزارزها به آن اقتصاد، اهمیت تبعیت شهروندان یک کشور از قوانین سایر کشورها به‌خصوص کشورهای هاب شبکه، امکان کسب اطلاعات تراکنش‌های

مالی شهروندان سایر دولت‌ها و افزایش ظرفیت نظارت و جهت‌دهی به کنش‌های اقتصادی کشورها در اقتصاد جهانی دولت‌ها را وادار به اتخاذ اقدام‌های حفاظتی در برابر قدرت روزافزون برخی بازیگران هاب شبکه اقتصاد جهانی کرده است.

فهرست منابع

پیروز، بیژن و غلام‌نیا، هادی (۱۴۰۱). فناوری زنجیره بلوکی و منازعات در حال گسترش در نظام‌های پولی ملی و بین‌المللی. *فصلنامه راهبرد اقتصادی*، سال یازدهم، (۴۰)، بهار، ۱۴-۱۵.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۹). قدرت، نوپدیدگی و بحران در سیستم‌های بین‌المللی پیچیده و آشوبی: گامی به سوی مدل نظری نوین. *فصلنامه روابط خارجی*، سال دوازدهم، (۳)، پاییز، ۴۲۳-۴۵۹.

کریمی، غلامرضا؛ نصیرزاده، محمد و میرترابی، سعید (۱۴۰۰). موقعیت هژمونیک دلار آمریکا و چشم‌انداز چالش آن توسط یوان و یورو. *فصلنامه روابط خارجی*، سال سیزدهم، (۴)، ۷۱۵-۷۵۳.

کوهن، تئودور اچ (۱۳۹۷). *اقتصاد سیاسی جهانی: نظریه و کاربرد*. ترجمه عادل پیغامی و دیگران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

- Balkin, Jack M. (2008). The Future of Free Expression in a Digital Age. *Pepperdine Law Review*, (36).
- Farrell, Henry & Newman, Abraham L. (2014). Domestic Institutions beyond the Nation-State: Charting the New Interdependence Approach. *World Politics*, 66(2), 331-363.
- Farrell, Henry & Newman, Abraham L. (2015). The New Politics of Interdependence: Cross-National Layering in Trans-Atlantic Regulatory Disputes. *Comparative Political Studies*, (48), 497-526.
- Farrell, Henry & Newman, Abraham L. (2019). Weaponized Interdependence How Global Economic Networks Shape State Coercion. *International Security*, 44(1) Summer.
- Genest, Marc A. (1996). *Conflict and Cooperation: Evolving Theories of International Relations Belmont*. CA: Thomson & Wadsworth.
- James, Harold (2014). Cosmos, Chaos: Finance, Power, and Conflict. *International Affairs*, 90(1), 37-57.
- Jones, Erik & Whitworth, Andrew (2014). The Unintended Consequences of European Sanctions on Russia. *Survival*, 56(5), 21-30.
- Keohane, Robert O. & Joseph S. Nye. (1977). *Power and Interdependence: World Politics in Transition*. Boston: Little, Brown & Co.

- Keohane, Robert O. (2009). The Old IPE and the New. *Review of International Political Economy*, 16(1), (February 2009), 34-46, 36-37.
- Lambert, Nicholas A. (2012). *Planning Armageddon: British Economic Warfare and the First World War*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press.
- Rana, Waheeda (2015). Theory of Complex Interdependence: A Comparative Analysis of Realist and Neoliberal Thoughts. *International Journal of Business and Social Science*, 6(2), February.
- Raustiala, Kal (2000). The Architecture of International Cooperation: Trans governmental Networks and the Future of International Law. *Virginia Journal of International Law*, 43(1), Fall.
- Scott, Susan V. & Zachariadis, Markos (2013). *The Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication (SWIFT)*. Routledge publication.
- Slauther, Anne Marie (2017). *The Chessboard and the Web: Strategies of Connection in a Networked World*. Yale University Press.
- Tucker, Joshua A. & et al. (2017). From Liberation to Turmoil: Social Media and Democracy. *Journal of Democracy*, 28(4).

فهرست منابع اینترنتی

- Benjamin Freed, "70 Percent of the World's Web Traffic Flows through Loudoun County," *Washingtonian*, September 14, 2016, Available (2023/05/13) online at:
- Cointelegraph (Sep 20, 2021). We are at war' with crypto, says Turkish President Erdoğan. Available (2023/04/22) online at:
- Complyadvantage (June 10, 2022). Japan Cryptocurrency Regulations. Available (2023/04/21) online at:
- Euronew (25/08/2022). Bitcoin ban: These are the countries where crypto is restricted or illegal. Available (2023/05/20) online at:
<https://cointelegraph.com/news/we-are-at-war-with-crypto-says-turkish-president-erdogan>.
<https://complyadvantage.com/insights/crypto-regulations/cryptocurrency-regulations-japan>.
<https://www.euronews.com/next/2022/08/25/bitcoin-ban-these-are-the-countries-where-crypto-is-restricted-or-illegal2#:~:text=Egypt,something%20prohibited%20under%20Islamic%20law>.
<https://www.nber.org/digest/202207/el-salvadors-experiment-bitcoin-legal-ender#:~:text=In%20September%202021%2C%20El,download%20a%20special%20cryptocurrency%20app>.
<https://www.swift.com/news-events/publications>.
<https://www.washingtonian.com/2016/09/14/70-percent-worlds-web-traffic-flows>

- NBER (2020 July 7). El Salvador's Experiment with Bitcoin as Legal Tender. Available (2023/05/17) online at:
 NBER (2020 July 7). El Salvador's Experiment with Bitcoin as Legal Tender. Available (2023/04/29) online at:
<https://www.nber.org/digest/202207/el-salvadors-experiment-bitcoin-legal-tender#:~:text=In%20September%202021%2C%20El,download%20a%20special%20cryptocurrency%20app>.
 Reuters (may 18, 2022). Russia to legalise cryptocurrency as means of payment 'sooner or later' - minister. Available (2023/04/29) online at:
<https://www.reuters.com/business/finance/russia-could-legalise-cryptocurrencies-means-payment-industry-minister-2022-05-18/>
 Swift.com (2022 October, 14). WIFT News & Events. Available (2023/05/11).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی